

ریشه‌یابی و رتبه‌بندی علل افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان

حیدرعلی جهانبخشی*

سیف‌اله فضل‌الهی قمی**

چکیده

هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج دانشجویان است. روش تحقیق، توصیفی و از نوع پیمایشی است و جامعه آماری نیز دانشجویان مجرد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، و نمونه آماری ۳۹۲ نفر که براساس جدول مورگان به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق‌ساخته حاوی ۵۲ مؤلفه در طیف پنج درجه‌ای لیکرت با پایایی ۰/۹۰۲ براساس آلفای کرونباخ بود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات افزون‌بر روش‌های آمار توصیفی از آزمون استنباطی Z تک گروهی استفاده شد. نتایج نشان داد: بیکاری، نداشتن درآمد کافی، خوف از افزایش هزینه‌ها، تأکید بر داشتن مسکن و خودرو پیش از ازدواج، استقلال مالی، گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران، کاهش اعتماد به طرف مقابل، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی، تأکید بر داشتن شغل مناسب با مدرک دانشگاهی، مسئولیت‌پذیر نبودن افراد برای اداره زندگی، به ترتیب از مهم‌ترین و الویت‌دارترین، و نگرانی از ضعف و ناتوانی جنسی، تأکید والدین بر انتخاب همسر از بین آشنایان، و خدمت سربازی پسران از کم‌اثرترین عوامل در افزایش سن ازدواج دانشجویی شناخته شدند. مؤثرترین عامل برای افزایش سن ازدواج دانشجویی عوامل اقتصادی هستند. واژگان کلیدی: دانشجویان، دانشگاه، افزایش سن ازدواج، رتبه‌بندی عوامل.

* گروه معارف اسلامی، عضو هیات علمی واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران (نویسنده مسئول)
Email: jahanbakhshi46@gmail.com

** گروه علوم تربیتی (برنامه‌ریزی درسی)، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، آدرس: قم، پردیسان، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی
Email: fazlollahigh@qom-iau.ac.ir, fazlollahigh@yahoo.com

مقدمه

ازدواج عامل تشکیل خانواده و تکثیر و بقای نسل انسان و سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت جسمی و روانی افراد یک جامعه است (نقیبی و حمیدی، ۱۳۹۴). جامعه‌شناسان ازدواج را قراردادی اجتماعی، ضامن بقای نسل انسان و سبب آرامش و امنیت در جوامع دانسته‌اند (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴). همچنین نهاد خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌رود. امروزه با افزایش سن ازدواج و کاهش نرخ ازدواج، همسرگزینی و تشکیل خانواده جوانان اهمیت بسزایی یافته است. جوانان به دلایل مختلف از مبادرت به ازدواج دوری می‌کنند و پدیده تأخیر در سن ازدواج نه در حکم امری شخصی، بلکه به منزله مسئله‌ای اجتماعی نمود یافته است. در جامعه جوان ایرانی موضوع‌های مرتبط با حوزه جوانان از مسائل مهم اجتماعی تلقی می‌شود؛ زیرا حدود یک‌سوم جامعه ایرانی، یعنی بیش از ۲۴ میلیون نفر را جمعیت جوان ۲۰ تا ۳۵ ساله تشکیل می‌دهند (آقاسی و فلاح مین باشی، ۱۳۹۴) که در نهاد مهم اجتماعی ایران، یعنی خانواده، مؤثرند. به‌رغم وجود نگرش مثبت بیشتر جوانان به ضرورت امر ازدواج، سن ازدواج رو به افزایش بوده است، جوانان سن مطلوب ازدواج را برای خانم‌ها ۲۲-۲۳ و برای آقایان ۲۶-۲۷ بیان کرده‌اند. تشکیل خانواده از طریق ازدواج، در همه جوامع و ادیان آسمانی و بشری، نقش بسزایی در سلامت و بهداشت افراد و جامعه داشته، منشأ زاد و ولد و بقا و تداوم نسل می‌باشد. با تحولات صورت گرفته در جوامع گوناگون، خانواده نیز دچار تحول و به معامله‌ای تجاری تبدیل و از فلسفه واقعی خود فاصله گرفته است. افزایش سن ازدواج و تمایل نداشتن به فرزندآوری در زوج‌های جوان، از جمله این تحولات و معضلات کنونی جامعه اسلامی ماست (فولادی و نندا، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد، ناهمزمانی وقوع بلوغ جنسی و عاطفی و بلوغ اجتماعی و اقتصادی، که خود متأثر از مدرنیته است، عامل اصلی این مهم است. افزون‌بر این، اضافه شدن شرط‌هایی همچون داشتن شغل، درآمد مناسب و برخورداری از تحصیلات عالی برای ازدواج و... دامنه سن ازدواج را در جامعه ما افزایش داده است.

افزایش سن ازدواج دختران و بروز پدیده تجرد قطعی در بین آنان، از زمره این تحولات فرهنگی و اجتماعی است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه حادث شده است. پدیده افزایش سن ازدواج نه فقط در ایران، بلکه حتی در کشورهای توسعه یافته فراصنعتی مانند ایالات متحده آمریکا نیز مشاهده می‌شود، به طوری که براساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در این کشور از اواسط دهه ۱۹۶۰م، به طرز برجسته‌ای در بین جمعیت آن افزایش یافته است (لوگران و زیسیموپولوس، ۲۰۰۴، ص ۲). زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد.

توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمان‌های دورتر را موجب شده است. فروپاشی نظام‌های خانوادگی گسترده، جایگزینی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده‌تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خارج از خانه، عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودیان، ۱۳۸۳، ص ۴۸). افزایش نرخ رشد جمعیت نیز از جمله مؤلفه‌هایی است که به نوبه خود به افزایش سن ازدواج و بروز پدیده مجرد قطعی دامن زده است. از سوی دیگر، نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز مجرد قطعی باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به‌طور طبیعی شاهد تخریب و تهدید بهداشت روانی، ایجاد موانع و سدهای مهارکننده در راستای رشد و تعالی روحی و روانی، بروز و ظهور اختلالات و بیماری‌های روانی و اجتماعی مانند افسردگی، اضطراب، اعتیاد و بزهکاری اجتماعی، به هدر رفتن انرژی عظیم افراد که مانع از رشد و اعتلای اجتماعی می‌شود، افزایش فاصله سنی والدین و فرزندان و ایجاد اختلاف در سلاطین و دیدگاه‌های دو نسل درون خانواده می‌شود (سلطان‌پور، ۱۳۷۹، ص ۱۲). با توجه به این مهم و تأکیدات مکتب انسان‌ساز اسلام بر ازدواج به موقع جوانان همواره به‌عنوان مایه آرامش روح و روان و آسایش جسم و جان؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِيَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (روم، ۲۱)» و از نشانه‌های اوست که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ همانا در این کار، نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». و با توجه به لزوم ایجاد محیطی سالم و پاک برای تفکر و تولید علم و دانش و ترویج فرهنگ و ارزش‌های جامعه در دانشگاه‌ها به‌عنوان مرکز تفکر و تولید علم که مهم‌ترین و عنصر سازنده آنها نیز جوانان دانشجو هستند که سلامت فکری و جسمی آنان موجبات تدارک محیط و تجارب یادگیری برای تولید دانش محسوب می‌شوند و ازدواج دانشجویان در سنین مناسب دانشجویی بر مساعد شدن محیط و شادابی در دانشگاه‌ها و تمرکز دقت بر اهداف علمی خواهد شد؛ از این‌رو محققان درصدد برآمدند تا با شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان امکان برنامه‌ریزی فرهنگی و مدیریتی برای داشتن دانشگاه‌های رشد یافته و تأثیرگذار و مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را مهیا سازند.

ادبیات و پیشینه تحقیق

ازدواج از کلمه زوج به معنی جفت ساخته شده است و معنی آن جفت شدن یا دوتا شدن است.

در اصل کسی که تا به حال تنها و مجرد بوده، کوچک‌ترین واحد یک جامعه، یعنی خانواده را تشکیل می‌دهد و ازدواج را می‌توان یک قرارداد اجتماعی مبتنی بر توافق و سازش بین زن و مرد و دوام اجتماع دانست (بیابانگرد، ۱۳۸۱، ص ۵۶). ازدواج فرایندی از تعامل بین زن و مرد است که تحت شرایط و مراسم قانونی-شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل به آن مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی می‌باشد (همان، ۲۰). ازدواج عملی است که پیوند بین دو جنس را بر پایه روابط پایای جنسی موجب می‌شود؛ بنابراین رابطه دو فرد از یک جنس چه به‌طور موقت و چه دائم ازدواج خوانده نمی‌شود و از سوی دیگر، در تعریف ازدواج روابط جسمانی بین دو جنس مخالف به خودی خود کافی به نظر نمی‌رسد؛ چه ازدواج مستلزم انعقاد قراردادی اجتماعی است که مشروعیت روابط جسمانی را موجب می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳). از نظر کارلسون^۱ ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک زن و یک مرد که، برخی شرایط قانونی را تحقق بخشد و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته و به‌طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و بدان ازدواج اطلاق شده است (کارلسون، ۱۹۶۳، ص ۳۱). تأخیر در ازدواج به‌عنوان یک متغیر وابسته از سوی صاحب‌نظران مختلف اقتصادی و اجتماعی بحث و بررسی شده است، به نظر اقتصاددانان در دوره‌های رکود و به‌طور کلی بحران‌های اقتصادی و بدی محصول و نیز بحران‌های سیاسی و طبیعی چون جنگ، انقلاب و زلزله ازدواج به تأخیر می‌افتد (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۸-۱۲۷).

از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسان است و آرامش و امنیت در یک جامعه نتیجه ازدواج سالم و محیط آرام‌بخش خانواده است. از دید روان‌شناسی ازدواج یکی از بالاترین ترکیبات روانی را در بردارد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعات انسانی و بیماری‌ها، متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش آن حائز اهمیت است. از نظر علمای اخلاق، ازدواج می‌تواند از اشاعه فساد و فحشا و رفتارهای ناپسندی که پیامد مستقیم عنان‌گسیختگی غرایز جنسی باشد جلوگیری کند و یکی از پایه‌های حفظ سلامت جامعه است. از دیدگاه اسلام ازدواج ضمن دارا بودن همه ویژگی‌های لازم در حفظ روابط خانوادگی و اجتماعی و بقای نسل و جلوگیری از انحراف‌های مختلف، عبادت به شمار می‌آید و راهی است که به کمال انسان منتهی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۶۶، ص ۷۷). دورکیم با مبنا قراردادن تغییرات اجتماعی، در نهایت به این نتیجه می‌رسد که تخصصی شدن و تمایزات فردی موجب ایجاد وضعیتی می‌شود که در حالت نابسامانی (سردرگمی افراد در تشخیص ارزش‌ها) نیازهای افراد تشدید می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۷، ص ۷۶). در دنیای امروز، افزایش جمعیت و گسترش تقسیم کار اجتماعی و به

1. karlsson

وجود آمدن مشاغل متنوع، موجب ارتباطات اجتماعی زیاد، تراکم اخلاقی و ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون در جامعه شده است (روشه، ۱۳۶۶، ص ۴۳). هرچند تنوع ارزش‌ها و هنجارها در جوامع مختلف، از دیرباز وجود داشته؛ اما آنچه که در مقوله تغییرات اجتماعی به‌عنوان یک پدیده دارای اثرات غیرقابل انکاری بر رخساره‌های زندگی اجتماعی انسان از جمله خانواده و ازدواج می‌باشد. در جامعه‌های در معرض مدرنیسم، همه چیز در حال تحول است. به دلیل وابستگی بخش‌های مختلف جامعه به یکدیگر، شروع تحول در یک بخش به‌طور سریع بخش‌های دیگر را متأثر می‌نماید. در کشور ما نیز مدرنیسم از حدود نیم قرن پیش بخش‌هایی از جامعه را متحول کرده است. این تحولات موجب تحول در خانواده و ازدواج و همسرگزینی نیز شده است. کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش سن ازدواج از این‌گونه موارد هستند (جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲، ص ۸۵). در تبیین دیگری از سن ازدواج با رویکرد اقتصادی، که از سوی کیلی^۱ ارائه شد (کیلی، ۱۹۷۷، ص ۲۳۸-۲۵۰) او در پی آن بود تا الگویی اقتصادی از عوامل تعیین‌کننده سن ازدواج را طراحی کند و سپس به آزمون آن پردازد کیلی با ترکیب نظریه تولید خانوار و جستجو نشان می‌دهد که چگونه عوامل مؤثر در ورود به بازار ازدواج و طول دوره جستجو برای یافتن همسر، سن اولین ازدواج افراد را تعیین می‌کنند. او در توضیح این مطلب بحث می‌کند که چون محصول تولید شده (غیربازاری) در پی ازدواج به ترکیب ویژگی‌های زوجین بستگی دارد؛ از این‌رو افراد مجرد منابع را بیشتر صرف جستجو برای یافتن مناسب‌ترین همسر می‌کنند. بدین ترتیب فرد مجرد ابتدا وارد بازار ازدواج می‌شود و سپس به جستجوی همسر می‌پردازد. از این‌روست که سن ازدواج به عوامل تعیین‌کننده ورود به بازار ازدواج و نیز طول دوره جستجو بستگی دارد. در عین حال هر دو این عوامل یعنی ورود به بازار و طول دوره جستجو تحت تأثیر عواید حاصل از ازدواج و هزینه‌های جستجو قرار دارند (کیلی، ۱۹۷۷، ص ۲۳۸).

برگستروم و بگنولی^۲ با همان رویکرد، رابطه سطح آموزش و سن ازدواج را توضیح دادند. آنها در پاسخ به این پرسش که چرا افراد با تحصیلات بالا گرایش به ازدواج دیر هنگام دارند، این‌گونه بحث می‌کنند که به سختی می‌توان فهمید که چرا منافع ازدواج برای کسانی که در دانشگاه‌ها حضور پیدا می‌کنند کمتر از منافع ازدواج برای افرادی است که مشغول به کار بوده و دستمزد بگیر هستند. یکی از متقاعدکننده‌ترین راه‌ها برای پاسخ به این مسئله آن است که یک مرد جوان می‌تواند به همسران بالقوه (زنان) چنین وانمود کند که او فردی توانمند و ساعی است که توانسته یک مدرک دانشگاهی را به دست آورد (مهربانی، ۱۳۹۳، ص ۸۹). بنابراین به منظور به دست آوردن با کیفیت‌ترین زن و ازدواج با او مشغول به تحصیل می‌شود و بنابراین سن ازدواجش افزایش می‌یابد.

1. Keeley

2. Bergstrom & bengoly

از این رو به نظر می‌رسد که میان اقتصاددانان بر سر رابطه آموزش و سن ازدواج توافق وجود دارد، اما آنچه محل اختلاف است به رابطه درآمد و سن ازدواج مربوط می‌شود. در حالی که بکر^۱ در عین مطرح کردن عوامل مؤثر در بهره‌وری غیربازاری و فرصت‌های بازاری به تأثیر آموزش در منافع و سن ازدواج اشاره‌ای نکرد، و اظهار داشت که هرچه تعداد فرزندان مورد نظر فرد بیشتر باشد، درآمد انتظاری وی در طول عمر بالاتر باشد و سطح آموزش پایین‌تر باشد، سن ورود به بازار ازدواج پایین‌تر خواهد بود (بکر، ۱۹۷۴، ص ۲۲). بنابراین به نظر می‌رسد، از نظر بکر رابطه میان آموزش و سن ازدواج مثبت است و با توجه به بحث مربوط به فرصت‌های بازاری، می‌توان اظهار کرد که افزایش سطح آموزش عاملی است که باعث گسترش فرصت‌های بازاری می‌شود؛ از این رو منافع حاصل از قرار گرفتن در قالب خانواده را کاهش می‌دهد و از این رو سن ازدواج را بالا می‌برد.

اسلام دین فرهنگ و در فرهنگ اسلامی، محور اصلاحات فرهنگ‌سازی است. فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی است و به وسیله فرهنگ است که انسان از جهات مختلف با مردم پیرامونش همراه و هماهنگی می‌یابد و از مردم جوامع دیگر متمایز و مشخص می‌شود و یقیناً هستی و بقای انسان و جامعه منوط به فرهنگ اوست (فضل الهی قمشی، ۱۳۹۲، ص ۱). دانشگاه‌ها و دانشجویان از مهم‌ترین عناصر فرهنگی جامعه هستند که با خلق دانش و ترویج فرهنگ و روش‌های زندگی در ساختار جامعه نقش اساسی ایفا می‌کنند. ازدواج و تشکیل خانواده از نمادهای فرهنگ اسلامی است که نه تنها برای آسایش روانی و جسمانی افراد، بلکه برای استحکام ارزش‌ها و نهاد خانواده و سلامت اجتماعی و زمینه‌سازی برای تعالی و پاکی و حیات طیبه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. بنابراین با ازدواج به موقع دانشجویان نه تنها بر عملی شدن و پایبندی بر فرهنگ و ارزش‌ها تأکید می‌شود، بلکه بر تقدس محیط پاک و علمی دانشگاه‌ها در جامعه اسلامی نیز تصریح می‌گردد. از نظر قرآن ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی است و خود از نشانه‌های رحمت و بزرگی خداوند است (روم، ۲۱). ازدواج رابطه نزدیکی است که میان زن و مرد برای مدت طولانی برقرار می‌شود و این رابطه فقط به منظور ارضای تمایلات آنی نیست، بلکه زندگی آینده و خوشبختی زن و مرد و کودکان آنها براساس این قرارداد شکل گرفته است. در ازدواج سازش دائمی و از خود گذشتگی فراوان لازم است؛ ولی اگر زن و مرد قبل از ازدواج با یکدیگر توافق بیشتری داشته باشند امکان سازش بعدی بیشتر خواهد بود (احمدی منفرد، ۱۳۸۷، ص ۲۰). مسئله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده و هست. به همین خاطر، این مسئله، افزون بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های علمی مختلف چون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی، فلسفه و... بوده است. از این رو، با اهتمام به اهمیت خانواده به‌عنوان یکی از

1. BeckerR

نهادهای مهم جامعه، در صورت هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد نیز ایجاد خواهد شد.

عوامل بازدارنده ازدواج

هر عاملی که باعث عدم شکل‌گیری ازدواج دختر و پسر شده و یا آن را به تأخیر بیاندازد عامل بازدارنده ازدواج نامیده می‌شود (دژکام، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸). که این عوامل و فاکتورها عبارتند از: مشکلات اقتصادی و تشریفات و رسوم غلط، آزادی‌های غلط و گریز از مسئولیت، خدمت سربازی پسران، مشکل تهیه مسکن، مشکل پسندی و وسواس در انتخاب همسر، فقر و تهیدستی (بیابانگرد، ۱۳۸۱، ص ۹۴)، برهم خوردن تعادل و توازن دختر و پسر آماده ازدواج به دلیل مهاجرت از روستاها به تحصیلات دانشگاهی (صادقیان، ۱۳۸۰، ص ۵)، انحرافات جنسی و روابط نامشروع، ناتوانی جنسی مرد و سرد مزاجی زن، روابط عشقی شدید یعنی عاشق شدن، ناهماهنگی سطح اقتصادی و اجتماعی خانواده طرفین، گذشت زمان و مسن شدن دختر یا پسر، محارم رضاعی، تفاوت زیاد هوشی دختر و پسر، اختلافات عقیدتی و مذهبی و... (دژکام، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸). که گاهی این عوامل قابل رفع هستند و اساساً مهم نمی‌باشند مثل (فقر، تنگدستی، زمان تحصیل و...) گاهی هم این موانع قابل رفع نبوده و ازدواج نباید صورت گیرد نظیر: روابط عشقی، اختلاف شدید، تحصیلات، مشکلات اقتصادی و عدم توافق کامل خانواده دو طرف (همان، ص ۱۰۹). سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (ماریاما، ۲۰۰۱^۱، ص ۳۰۷). در کشور ما که هنجارهای دینی نزد عموم مردم از مطلوبیت خاصی برخوردار است دامنه تأثیر سن ازدواج را به حوزه‌های رفتاری و فرهنگی هویتی نسل جوان می‌کشاند. افزایش قابل توجه سن ازدواج جوانان پس از قرن‌ها تجربه ازدواج زودرس، از پدیده‌های مهم در تغییرات اجتماعی به شمار می‌رود (حاجنال، ۱۹۶۵^۲، ص ۴۸). موضوع ازدواج و تشکیل خانواده از جمله مسائلی است که مورد بحث ادیان و مذاهب، فلاسفه، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، علمای تعلیم و تربیت، شعرا، نویسندگان و هنرمندان قرار گرفته است. در امر ازدواج و تشکیل خانواده، اهداف و انگیزه‌هایی چون میل بشر به تداوم نسل، نیاز اقتصادی و نیاز روحی و... دخیل بوده که این عوامل در دوره‌های مختلف تاریخ بشری متغیر بوده است (کالدول، ۱۹۸۱^۳، ص ۱۴)؛ اما آنچه امروزه در میان جوانان به صورت یک چالش اصلی جامعه ایرانی درآمده است، افزایش سن ازدواج آنان است. جوانانی که ازدواج نمی‌کنند، جوانانی

1. Murayama

2. Hajnal

3. Caldwell

که فرصت ازدواج نمی‌یابند، جوانانی که به خاطر سنت‌های غلط اجتماعی مجبور به خانه نشینی هستند و همچنین جوانانی که دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند. این مسائل و عواملی دیگر دست به دست هم داده و پدیده سن ازدواج را به صورت یک مسئله درآورده است. این نکته قابل ذکر است که پیامد این پدیده (سن ازدواج) می‌تواند به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و شیوع افسردگی و اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی بیانجامد و با سپری شدن دوران شور زندگی انگیزه تشکیل خانواده را کم و دخترانی را که به سنین بالا رسیده‌اند از دسترسی به تشکیل خانواده مأیوس کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). گذشته از آن افزایش سن ازدواج و تجرد قطعی، ازدواج را از دایره شرعی و قانونی خارج می‌کند و امنیت خانواده را به مخاطره می‌اندازد و آسیب‌های دیگری را همچون افزایش طلاق به جهت ارتباطات نامشروع به همراه خواهد داشت (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۴۵۳). از طرفی مشکلات خاصی مانند مهریه‌های سنگین، مخارج هنگفت خرید طلا و جواهر، هدایا و لباس‌های گوناگون، جشن‌های عقد و عروسی و میزان اجاره، رهن و یا خرید مسکن، بارداری و تربیت فرزند و ده‌ها مسئله دیگر خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی فراروی جوانان می‌باشد (اسکندری چراتی، ۱۳۸۷، ص ۳) و هم‌زمان با تحولات اقتصادی و اجتماعی مانند شهرنشینی، آموزش و تحصیلات، ایجاد مشاغل جدید و ظهور قشرهای مختلف، نظام خانواده و هنجارهای حاکم بر آن را در تغییرات سن ازدواج می‌توان مشاهده کرد (کنعانی، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). باتوجه به اهمیت مسئله افزایش سن ازدواج از جهات مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی امنیتی برای افراد، موضوع زمانی مهم‌تر جلوه می‌نماید که به قشر فرهیخته و روشن‌فکر دانشجویان دانشگاه‌ها مربوط باشد. دانشجویان سرمایه‌های فکری و فرهنگی و مدیران و رهبران آتی جامعه هستند که رسالت تولید علم، توسعه فرهنگ و ارائه خدمات فرهنگی به مردم را بر عهده خواهند داشت و به یقین طرز فکر و تلقی آنان می‌تواند بر جامعه تأثیرات مختلفی داشته باشد. پدیده ازدواج دانشجویی موجبات نشاط روحی و جسمی آنان و زمینه‌ساز سلامتی و پاکی محیط مقدس دانشگاه‌ها برای تولید علم و تلاش برای رسیدن به قله‌های تعالی فردی و اجتماعی خواهد بود امری که نهاد مقام رهبری چند سالی است با بسترسازی فرهنگی و ارائه خدمات مالی و تسهیلات سعی دارد در تحقق حیات طیبه در دانشگاه‌ها از این طریق قدمی مناسب بردارد اما با وجود این تلاش خالصانه و در راستای رضایت حق تعالی هنوز سن ازدواج دانشجویی نیازمند واکاوی عمیق و مبتنی بر واقع است تا با ریشه‌یابی علل، برنامه‌ریزی مؤثری را برای رسیدن به اهداف به انجام برساند. مطالعات انجام شده و جستجوی سایت‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی معتبر کشور نشان داد تحقیقات توصیفی مبتنی بر تحلیل داده‌ها بسیار محدود است هرچند تحقیقاتی که تا حدودی به موضوع مربوط باشند، کم نیستند که در ذیل به تعدادی اشاره شده است.

محمودیان (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان به این نتیجه رسید که ازدواج‌های جدیدتر در سنین بالاتری اتفاق می‌افتد و میزان تحصیلات، شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر، برابری جنسیتی و نسبت خویشاوندی زوجین اثر مستقیمی بر سن ازدواج دارد و قومیت در افزایش و کاهش سن ازدواج تأثیر دارد. کاظمی‌پور (۱۳۸۳) در پژوهشی تحت عنوان تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن به این نتیجه رسید که بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و به‌طور کلی پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد همچنین ساختمان سنی جمعیت (عدم تناسب بین زنان و مردان ازدواج نکرده) از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات سن ازدواج در ایران است. نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج در جوانان و راه‌حل‌های مؤثر جهت رفع این مشکل پرداخته و نشان می‌دهند که فرصت‌های ازدواج برای دختران دارای تأخیر در ازدواج نسبت به پسران بیشتر فراهم بوده و دختران مهم‌ترین دلیل ازدواج نکردن خود را نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل معرفی کرده‌اند. پسران مشکلات اقتصادی و بیکاری را دلیل ازدواج نکردن خود مطرح کرده‌اند. میزان امید برای ازدواج در آینده در پسران نسبت به دختران بیشتر است. همچنین نشان دادند که دختران و پسران، کاهش انتظارات والدین را به‌عنوان راه‌حل عمده معضل ازدواج می‌دانند. در اولویت دوم پسران و دختران رفع مشکلات اقتصادی و بیکاری را به‌عنوان راه‌حل مطرح کرده‌اند. مجدالدین (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان به این نتیجه رسید که خانواده به لحاظ تأثیرگذاری بر اعضای خود و نیز بر سطوح مختلف جامعه، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و عامل پیدایش خانواده ازدواج است. پس سلامت جامعه و خانواده وابسته به ازدواجی سالم و پردوام است. همچنین عوامل اجتماعی و مشکلات اجتماعی ناشی از آن مانند فقر اقتصادی و بیکاری، مهاجرت، ازدواج و سکونت دائم پسرهای روستا در شهرها و نبود تعادل جنسی در روستا منجر می‌شود؛ به نحوی که باعث افزایش تعداد دختران مجرد ساکن در روستا و تأخیر در سن ازدواج آنها شده و ممکن است این افزایش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را به دنبال داشته باشد. رجبی (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان سن ازدواج؛ عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن، بالا رفتن سن ازدواج را یکی از معضلات مهم جوامع بشری معرفی کرد؛ زیرا با افزایش سن ازدواج، جوانان از شیوه به‌هنجار ارضای غریزه جنسی و آثار و فواید آن محروم می‌شوند. در جوامع گذشته پسران و دختران با رسیدن به سن بلوغ، یا کمی بعد از آن اقدام به ازدواج می‌کردند و مجرد ماندن یک نقص اجتماعی محسوب می‌شد؛ اما با پیچیده‌تر شدن جوامع و ایجاد خواسته‌ها و انگیزه‌های کاذب، ذائقه اجتماعی تغییر یافت و به تبع این تغییر ذائقه،

نیاز طبیعی و غریزی به ازدواج سرکوب و این روند، تا جایی پیش رفته که امروزه در بعضی جوامع غربی، جوانان به کلی از ازدواج سرباز زده‌اند و آن را مانعی برای آزادی خود تلقی می‌کنند. تنها زمانی به ازدواج روی می‌آورند که نشاط جوانی را از دست داده‌اند و نیازمند یک پرستار یا مراقب هستند. متأسفانه این فرهنگ اشتباه، جوامع اسلامی از جمله جامعه اسلامی ما را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است، به گونه‌ای که افزایش رو به تزاید سن ازدواج در کشور، مشکلات فراوانی به دنبال داشته است. مشکلاتی همچون افسردگی و از بین رفتن نشاط در جوانان، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، افزایش اضطراب و نگرانی به خصوص در دختران، بلا تکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به عدم ازدواج به خاطر کاهش میل به ازدواج، بی‌دقتی در انتخاب همسر، احتمال افزایش انحرافات، و ده‌ها مشکل از این قبیل که جوانان ما را، به چالش کشانده است. فرودستان و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر به این نتیجه رسیدند که از نظر دانشجوی، سطح تحصیلات همسر بسیار اهمیت دارد از جمله معیار انتخاب همسر می‌باشد، همچنین در مورد معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر بین دختران و پسران دانشجو تفاوت معنی‌دار وجود دارد دختران بیشترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر و پسران کمترین تمایل را در انتخاب سطح تحصیلات بالاتر همسر از خود نشان دادند، براساس نتایج این پژوهش، این نگرش و تفکر قالبی در جامعه وجود دارد که باید سطح تحصیلات مرد بالاتر از همسرش باشد. همچنین آمارها بیانگر افزایش تعداد دانشجویان دختر ورودی دانشگاه‌ها نسبت به دانشجویان پسر است. این روند می‌تواند افزایش سن مجرد در جوانان، به‌ویژه دختران تحصیل کرده جامعه را موجب شود. کاظمی‌پور (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن به این نتیجه رسید که در جامعه ایران نهاد خانواده و تعاملات درون اعضای آن به میزان رشد و توسعه صنعتی شدن و شهرنشینی در کشور رشد نکرده است. در این بین طلاق میان افراد با پایگاه اجتماعی پایین‌تر بیش از بقیه بوده است. در نهایت براساس نظریه مبادله بسیاری از جوانان برای انتخاب همسر بیشتر به انتخاب عقلانی توجه دارند و نگرش به ازدواج در بین جوانان به یک امر عقلانی تبدیل شده است. کاظمی و نیازی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج در شهر شیراز به این نتیجه رسیدند که با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای افراد، الگوی ازدواج آنها مدرن‌تر می‌شود. همچنین متغیرهای جنس، سن، اولویت‌های ارزشی، درآمد، میزان تحصیلات و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با الگوی ازدواج رابطه معنی‌داری داشته‌اند. براساس نتایج رگرسیون چند متغیره از بین کل متغیرهای مستقل، متغیرهای جنس، آرمان‌گرایی

توسعه‌ای، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، سن، اولویت‌های ارزشی و درآمد ۷۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. متغیر جنس بیشترین تأثیر را بر الگوی ازدواج داشت. ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران به‌عنوان یک رویکرد اقتصادی بیان داشتند ازدواج پدیده‌ای اجتماعی، جمعیتی و اقتصادی است که سن ازدواج نشانگر خوبی برای بررسی این پدیده به‌شمار می‌رود. نتایج پژوهش تأثیر مثبت سطح تحصیلات را بر سن ازدواج زنان ثابت می‌کند. همچنین متغیر شهری بودن در مقایسه با روستایی بودن در مجموع تأثیر منفی بر سن ازدواج زنان نشان می‌دهد. در میان قومیت‌های مختلف نیز تفاوت سن ازدواج دیده می‌شود. همچنین نشان می‌دهد که سن ازدواج در میان خانوارهای طبقات اقتصادی بالاتر-پایین‌تر می‌باشد و در نهایت سن ازدواج در میان دسته‌های سنی اخیر نسبت به گذشته با روندی افزایشی روبه‌روست.

فراهانی خلیج آبادی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران نتیجه گرفتند که پس از کنترل جنس، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان است. به طوری که تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج، حدود ۲ سال ازدواج را با تأخیر همراه می‌سازد همچنین معاشرت‌ها قبل از ازدواج در دختران با تمایل بیشتر به ازدواج رابطه معنی‌دار و در پسران با تمایل کمتر به ازدواج رابطه معنی‌دار دارد. حبیب پورگنابی و غفاری (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان علل افزایش سن ازدواج دختران بین دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۴ ساله در مراکز شهری کشور به این نتیجه رسیدند که دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیشتری دارند که با ازدواج هزینه فرصت‌های از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است و از طرفی شرایط جامعه چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی-فرهنگی آمادگی پذیرش چنین تحولاتی را نداشته باشد تبعات منفی آن بیش از دستاوردهای مثبت آن خواهد بود. بانکی پور فرد و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران با بررسی و تحلیل آمار ازدواج و طلاق و تبیین موانع و مشکلات عمده ازدواج به این نتیجه رسیدند که موانع فرهنگی بیشتر از موانع اقتصادی بر وضعیت کنونی ازدواج اثر داشته؛ اما کمتر مورد توجه واقع شده است. همچنین روند وضعیت ازدواج در سال‌های اخیر نگران‌کننده بوده به نحوی که با وجود افزایش جمعیت نرخ رشد ازدواج کاهش و نرخ طلاق به شدت افزایش داشته و در این شرایط میانگین سن ازدواج به خصوص در دختران افزایش یافته است. نتیجه آنکه ازدواج همسالان، آموزش مهارت‌های زندگی در سطوح

مختلف، رصد دائمی و توجه ویژه مدیران در برنامه‌ریزی‌ها و عزم ملی برای حل این معضل، از جمله راه‌های برون‌رفت از این وضعیت بحرانی است. میرسندسی و محمدی قلعه سفیدی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکر اسلامی به این نتیجه رسیدند که بین تحصیلات زنان متأهل و سطح توقعات اقتصادی دختران شهر تهران رابطه معنی‌دار منفی و معکوسی وجود دارد به بیان دیگر هرچه سطح تحصیلات آنها بالاتر می‌رود سطح توقعات اقتصادی‌شان در زندگی کمتر می‌شود و بین میزان تحصیلات زنان متأهل و میزان فشارهای اجتماعی رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد بدین معنی که هرچه سطح تحصیلات بیشتر می‌شود میزان فشارهای اجتماعی بیشتر می‌شود و فرد تمایل بیشتری به ازدواج دارد. مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان در شهر کرمانشاه نشان می‌دهند که بین متغیرهایی چون نگرش افراد به برابری جنسیتی، سبک فرزندپروری دموکراسی، سبک فرزندپروری استبدادی، تحصیلات و میزان لذت بردن از مجردی، میزان سخت‌گیری والدین، سطح انتظارات ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش حسینی و گراوند (۱۳۹۲) تحت عنوان سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت بیانگر این واقعیت هستند که از مشخصه‌های اقتصادی اجتماعی، جمعیتی، و عوامل و زمینه‌های قومی فرهنگی، تبیین بهتری از شکاف در رفتار و نگرش زنان نسبت به سن مناسب ازدواج دارد. فضل‌الهی قمشی و ملکی توانا (۱۳۹۲) در فرهنگ همسرگزینی در بین دانشجویان، معیارها و الویت‌ها نشان دادند سلامت فکری و روانی از الویت‌دارترین و دیدگاه سیاسی از کم‌اهمیت‌ترین معیارهای انتخاب همسر در بین دانشجویان است و عفت و پاکدامنی، برخورداری از نجابت خانوادگی و شخصی، داشتن صداقت در زندگی زناشویی، توافق اخلاقی بین زوجین، امنیت و آرامش در زندگی، قابل اعتماد بودن، حس مسئولیت‌پذیری بالا، سلامت جسمانی، تناسب فرهنگی و تحصیلی بین زوج‌ها، به ترتیب از مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر در بین دانشجویان بوده است. آنها نتیجه گرفتند دانشجویان در همسرگزینی به معیارهای مادی و ظاهری در مقایسه با عوامل معنوی توجه فرعی و غیراصولی دارند که با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی هماهنگی بیشتری دارد. نیازی، شاطریان و شفافی مقدم (۱۳۹۴) در بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج (مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان) نشان دادند بین متغیرهای خانواده، وضعیت اقتصادی، افزایش توقعات، بیکاری، سنگینی مخارج ازدواج، انحرافات اجتماعی و اخلاقی، کارکرد نامناسب رسانه‌ها، ترس از آینده و تضعیف باورهای دینی با متغیر نگرش منفی به ازدواج رابطه معنادار وجود دارد. مهربانی (۱۳۹۳) در تحلیل اقتصادی تصمیم‌گیری برای سن

ازدواج نشان داد که آموزش عاملی مؤثر در افزایش سن ازدواج و سن مطلوب ازدواج برای مردان بیش از زنان است. این تحقیق شواهدی را در حمایت از اثر منفی موقعیت اقتصادی (طبقه‌بندی) به هنگام ازدواج ارائه می‌دهد که این متغیر بیانگر درآمد غیردستمزدی افراد در زمان تشکیل خانواده است. با این وصف، پایین آمدن سن ازدواج می‌تواند یکی از عوارض کاهش شکاف طبقه‌بندی (با ثبات سایر شرایط) در جامعه باشد. کاوه فیروز، کاظمی پور و رنجبر (۱۳۹۳) در تعیین‌کننده‌های اجتماعی جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران) عوامل تبیین‌کننده افزایش سن ازدواج را شامل: مقطع تحصیلی، محل سکونت، درجه توسعه یافتگی زادگاه جغرافیایی، اختلاف نگرش با والدین در امر ازدواج، توقعات اجتماعی، توقعات اقتصادی، میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، موافقت با تسهیل روابط دختر و پسر، شیوه‌های انتخاب همسر و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین دانسته، نشان دادند که متغیرهای جمعیتی اجتماعی بررسی شده در حدود ۳۳ درصد از تغییرات افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران را تبیین می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نشان داد در بین متغیرهای مورد بررسی، مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر سن ازدواج دختران، متغیر دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با ضریب بتای ۰/۴۳۵ بوده است و بعد از این متغیر، متغیرهای اختلاف نگرش دختران با والدین و نیز توقعات اجتماعی بیشترین سهم را در افزایش سن ازدواج دختران دارند. این در حالی است که متغیرهای توقعات اقتصادی و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین نقش بسیار ناچیزی در افزایش سن ازدواج دختران دارد.

تحلیل واقع‌بینانه تحقیقات ذکر شده نشان می‌دهد مطالعات مبتنی بر اهداف این تحقیق بسیار نادر بوده و شکل‌گیری این پژوهش از طریق مراجعه به دانشجویان خود بر متمایز بودن آن تأکید دارد البته شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر سن ازدواج دانشجویان با فرایند مورد مطالعه تا به حال دیده نشده است.

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر اهداف کاربردی و به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری شامل کل دانشجویان مجرد مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بودند که براساس آمار حدود ۱۷۴۰۰ نفر بودند. نمونه آماری شامل ۳۹۲ نفر از دانشجویان مذکور بودند که براساس جدول برآورد حجم نمونه از روی حجم جامعه مورگان^۱ و کرجسی^۲ (به نقل از حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳)

1. Morgan

2. Kerejcy

و به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته حاوی ۵۲ مؤلفه در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت با پایایی معادل ۰/۹۰۲ مطابق آلفای کرونباخ استفاده شده است برای تهیه پرسشنامه ابتدا تمام مقالات منتشر شده در ارتباط با سن ازدواج استحصال و مطالعه شد سپس بیش از ۱۰۰ عوامل مؤثر در سن ازدواج دانشجویی شناسایی و با نظر متخصصین روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی مجدداً بررسی شد که نتیجه آن قطعی شدن تعداد ۵۲ مؤلفه برای پرسش از دانشجویان بود برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی در حد میانگین، انحراف استاندارد، ضریب پراکندگی و از آمار استنباطی در حد آزمون Z تک گروهی استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج دانشجویی از دیدگاه دانشجویان

ردیف	سؤال	$\sum X$	\bar{X}	n	s	z	cv	R
۱	رویکرد جامعه در افزایش سطح تحصیلات تکمیلی بین جوانان	1360	3.56	382	0.99	20.97	27.76	22
۲	وجود پدیده بیکاری در بین جوانان	1815	4.64	391	0.72	58.87	15.5	1
۳	گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران	1660	4.23	392	0.97	35.38	22.92	6
۴	ترس از تأمین لوازم مناسب زندگی رقابتی (چشم و هم‌چشمی) موجود جامعه	1561	3.99	391	1.02	28.96	25.52	15
۵	تأکید والدین بر انتخاب همسر از بین آشنایان	1047	2.67	392	1.11	3.04	41.68	51
۶	تلقی شکل معامله در تعیین مهریه برای ازدواج و مهریه سنگین	1352	3.52	384	1.03	19.39	29.31	27
۷	تغییر معیارهای ازدواج آسان	1355	3.56	381	1.16	17.83	32.51	35
۸	خوف از پدیده افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی	1640	4.23	388	0.89	38.37	20.97	3
۹	خدمت سربازی پسران	1258	3.23	390	1.31	10.92	40.69	50
۱۰	وسواس در پایبندی و تقید دینی طرفین	1167	3	389	1.08	9.16	35.9	43
۱۱	آرمان‌گرایی و اعتقاد به زندگی آزاد در بین جوانان	1458	3.76	388	1.01	24.45	26.96	18
۱۲	تأکید بر استقلال مالی و میزان درآمد طرفین	1555	4.03	386	0.86	34.8	21.42	5
۱۳	برهم خوردن تعادل و توازن دختران و پسران به دلیل گسترش شهرنشینی	1279	3.38	378	1.11	15.46	32.84	37
۱۴	وسواس بیش از حد در انتخاب همسر	1503	3.86	389	1.03	26.11	26.66	17
۱۵	دشواری توافق خانواده‌ها بر اثر پیچیده شدن روابط اجتماعی	1381	3.58	386	0.98	21.59	27.41	21
۱۶	نداشتن درآمد کافی برای ازدواج در بین جوانان	1746	4.56	383	0.75	53.53	16.51	2
۱۷	کاهش اعتماد به طرف مقابل به جهت افزایش جرائم و انحرافات	1557	4.03	386	0.97	31.22	23.92	7
۱۸	تأکید بیش از حد بر رعایت سازگاری سنی بین زوجین	1260	3.26	387	1.02	14.54	31.41	33
۱۹	تشدید غرور جنسیتی حاصل از روند افزایش برابری جنسی در جامعه	1276	3.4	375	1.03	16.9	30.4	28

۲۰	۱۴۹۳	۳.۹	۳۸۳	۱.۱۳	۲۴.۱۳	۲۹.۰۸	۲۶	فقدان قوانین و نهادهای حمایتی برای پشتیبانی ازدواج جوانان
۲۱	۱۴۵۵	۳.۷۵	۳۸۸	۱.۲۱	۲۰.۴۲	۳۲.۱۶	۳۴	کاهش میل به ازدواج دائم در بین جوانان
۲۲	۱۱۴۹	۲.۹۷	۳۸۷	۱.۰۸	۸.۵۱	۳۶.۵۱	۴۴	تأکیدات فرهنگی و ارزشی جامعه در رعایت ترتیب تولد برادران و خواهران برای ازدواج در خانواده‌ها
۲۳	۱۳۱۶	۳.۳۸	۳۸۹	۱.۱۷	۱۴.۹	۳۴.۵۵	۴۰	توجه بیش از حد بر نوع شغل والدین دختر یا پسر
۲۴	۱۵۷۳	۴.۰۴	۳۸۹	۱.۰۳	۲۹.۶۱	۲۵.۴۳	۱۴	کاهش اعتماد به جنس مخالف در بین جوانان
۲۵	۱۳۱۵	۳.۴۳	۳۸۳	۱.۰۵	۱۷.۴۲	۳۰.۵۴	۲۹	تأکید افراطی بر داشتن اصالت خانوادگی طرفین
۲۶	۱۳۰۱	۳.۳۵	۳۸۸	۱.۰۹	۱۵.۴	۳۲.۵۴	۳۶	تأکید زیاد والدین برای انتخاب همسر براساس معیارهای خودشان (نه جوانان)
۲۷	۱۳۳۵	۳.۴۹	۳۸۳	۰.۹۸	۱۹.۷۲	۲۸.۰۷	۲۳	تعارض در تصمیم‌گیری برای ازدواج و تحصیل در بین جوانان
۲۸	۱۶۵۱	۴.۲۹	۳۸۵	۰.۹	۳۸.۸۷	۲۱.۰۵	۴	تأکید بر داشتن امکانات مسکن و خودرو قبل از ازدواج
۲۹	۱۱۹۷	۳.۰۸	۳۸۹	۱.۱۴	۹.۹۷	۳۷.۱	۴۵	تأکید جامعه بر ملاک‌های سنتی در انتخاب همسر
۳۰	۱۵۴۹	۴	۳۸۷	۱.۰۹	۲۷.۱۱	۲۷.۲۴	۱۹	ترس از شکست در زندگی زناشویی در بین جوانان
۳۱	۱۵۶۴	۴.۰۷	۳۸۴	۰.۹۸	۳۱.۴۵	۲۴.۰۷	۸	گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی بین جوانان
۳۲	۱۵۸۴	۴.۰۷	۳۸۹	۰.۹۹	۳۱.۴۱	۲۴.۲۴	۱۰	عدم مسئولیت‌پذیری جوانان در امر ازدواج و اداره زندگی
۳۳	۱۶۲۳	۴.۱۶	۳۹۰	۱.۰۱	۳۲.۴۹	۲۴.۲۷	۱۱	تشریفات زیاد در برگزاری مراسم عقد و عروسی
۳۴	۱۵۳۵	۳.۹۵	۳۸۹	۱.۳۲	۲۱.۶۴	۳۳.۴	۳۸	نقش تهاجم فرهنگی از طریق ماهواره، اینترنت و...
۳۵	۱۵۵۷	۴	۳۸۹	۰.۹۷	۳۰.۶۴	۲۴.۱۷	۹	داشتن مدرک دانشگاهی و انتظار شغل در حدشان
۳۶	۱۴۰۸	۳.۶۸	۳۸۳	۱.۰۱	۲۲.۹	۲۷.۳۴	۲۰	داشتن مدارک تحصیلی عالی و عدم وجود هم‌سطحی (کفو) در انتخاب همسر
۳۷	۱۱۸۰	۳.۰۹	۳۸۲	۱.۱۷	۹.۸۶	۳۷.۷۸	۴۷	مهاجرت خانواده‌ها از روستا به شهر
۳۸	۱۲۶۸	۳.۲۸	۳۸۶	۱.۱۴	۱۳.۴۷	۳۴.۸۵	۴۲	دوری جوانان از خانواده به حسب شغل یا تحصیل
۳۹	۱۵۲۹	۳.۹۵	۳۸۷	۱.۱۳	۲۵.۲۳	۲۸.۶۴	۲۵	پدیده اعتیاد در بین جوانان
۴۰	۱۳۹۷	۳.۶۳	۳۸۵	۱.۱۲	۱۹.۸۱	۳۰.۸۱	۳۰	عدم اعتماد خانواده به جوان در اداره زندگی
۴۱	۱۳۸۴	۳.۶	۳۸۴	۱.۲۵	۱۷.۳۸	۳۴.۵۵	۴۱	نگاه منفی خانواده‌ها و جامعه به ازدواج در سن کم
۴۲	۱۳۵۳	۳.۵۱	۳۸۶	۱.۲	۱۶.۴۹	۳۴.۱۸	۳۹	نگرش مثبت خانواده و جامعه با ازدواج جوانان در سنین بالا
۴۳	۱۵۲۰	۳.۹۴	۳۸۶	۰.۹۹	۲۸.۴۲	۲۵.۲۵	۱۲	اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث ثروت
۴۴	۱۳۸۷	۳.۵۶	۳۹۰	۱.۱	۱۹.۰۲	۳۰.۸۵	۳۱	اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث تقیدات دینی
۴۵	۱۳۷۷	۳.۵۵	۳۸۸	۱	۲۰.۷۴	۲۸.۰۷	۲۴	اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث تحصیلات
۴۶	۱۱۷۷	۳.۰۶	۳۸۵	۱.۲۳	۸.۸۷	۴۰.۳	۴۹	اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث نژادی
۴۷	۱۴۰۸	۳.۷	۳۸۱	۱.۱۵	۲۰.۳۷	۳۱	۳۲	احساس عدم توانایی در تهیه جهیزیه
۴۸	۱۲۵۸	۳.۲۴	۳۸۸	۱.۲۴	۱۱.۸۱	۳۸.۱۹	۴۸	تغذیه نامناسب و افزایش اختلالات توأم با کاهش میل جنسی
۴۹	۱۱۸۲	۳.۰۷	۳۸۵	۱.۲۸	۸.۷۴	۴۱.۶۹	۵۲	نگرانی جوانان از ضعف و ناتوانی جنسی
۵۰	۱۳۱۵	۳.۴۳	۳۸۳	۱.۲۹	۱۴.۱۶	۳۷.۵۸	۴۶	تردید طرفین در سلامت جنسی و عدم ارتباط با جنس مخالف
۵۱	۱۵۹۷	۴.۱۲	۳۸۸	۱.۰۶	۲۹.۹۳	۲۵.۸۴	۱۶	ارضای نیاز جنسی جوانان خارج از محدوده شرعی
۵۲	۱۵۵۵	۴.۰۱	۳۸۸	۱.۰۲	۲۹.۲۵	۲۵.۳۳	۱۳	نگرش منفی افراد متأهل نسبت به ازدواج و تأثیر آن بر جوانان

جدول بالا وضعیت داده‌های جمع‌آوری شده از آزمودنی‌ها در مورد عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج بین دانشجویان و اولویت‌بندی آنها مطابق دیدگاه آنان را نشان می‌دهد. مطابق اطلاعات همه ۵۲ مؤلفه مورد مطالعه نمره Z بالاتر از Z بحرانی در سطح اطمینان ۰/۹۹ و $\frac{\alpha}{2} = ۰/۰۱$ (۲/۵۸) کسب کرده‌اند با توجه به معنی دار بودن تفاوت میانگین با متوسط نمره مورد انتظار (۳) با اطمینان ۰/۹۹ می‌توان نتیجه گرفت که ۵۲ مؤلفه از مؤلفه‌های مورد مطالعه قابل قبول و مطلوب بوده است. مطابق داده‌ها بیشترین میانگین (۴/۶۴) مربوط به مؤلفه ۲ (وجود پدیده بیکاری در بین جوانان) است که با ضریب پراکندگی ۱۵/۵ در رتبه اول قرار گرفته است و نشان می‌دهد دانشجویان بیکاری را مهم‌ترین عامل مؤثر برای ازدواج نکردن و به تبع آن افزایش سن ازدواج دانشجویان می‌دانند. پس از آن مؤلفه ۱۶ (نداشتن درآمد کافی برای ازدواج در بین جوانان) با میانگین (۴/۵۶) و ضریب پراکندگی ۱۶/۵۱ در جایگاه دوم قرار دارد. مؤلفه ۸ (خوف از پدیده افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی) با میانگین (۴/۲۳) و ضریب پراکندگی ۲۰/۹۷ در رتبه سوم قرار دارد و تأکید بر داشتن امکانات مسکن و خودرو پیش از ازدواج، تأکید بر استقلال مالی و میزان درآمد طرفین، گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران، کاهش اعتماد به طرف مقابل به جهت افزایش جرائم و انحرافات، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی بین جوانان، داشتن مدرک دانشگاهی و انتظار شغل در حدشان، مسئولیت‌پذیر نبودن جوانان در امر ازدواج و اداره زندگی، به ترتیب در رتبه‌های چهار تا ده قرار گرفته‌اند. از دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، مؤلفه‌های؛ نگرانی جوانان از ضعف و ناتوانی جنسی، تأکید والدین بر انتخاب همسر از بین آشنایان، خدمت سربازی پسران، اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث نژادی، تغذیه نامناسب و افزایش اختلالات توأم با کاهش میل جنسی، مهاجرت خانواده‌ها از روستا به شهر، تردید طرفین در سلامت جنسی و عدم ارتباط با جنس، تأکید جامعه بر ملاک‌های سنتی در انتخاب همسر، تأکیدات فرهنگی و ارزشی جامعه در رعایت ترتیب تولد برادران و خواهران برای ازدواج در خانواده‌ها، وسواس در پایبندی و تقید دینی طرفین، دوری جوانان از خانواده به حسب شغل یا تحصیل به ترتیب از کم‌اهمیت‌ترین معیارها شناخته شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت جسمی و روانی افراد یک جامعه سن ازدواج است، بالا رفتن میانگین سن ازدواج می‌تواند در مسیر سلامت جامعه اختلالاتی به وجود آورد (مورایاما،^۱ ۲۰۰۰). از جمله پیامدهای این پدیده می‌توان به افزایش اضطراب و فشار عصبی، شیوع

افسردگی، اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی؛ تغییر الگوها و هنجارهای ازدواج؛ افزایش فساد اخلاقی با گرایش به جرائم؛ و اعتیاد و مصرف الکل اشاره کرد (آیت‌اللهی، ۲۰۱۳). بدون شک هرگونه تشویق در جهت ترویج ازدواج در جامعه مستلزم بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر پدیده ازدواج و عوامل مرتبط بر نگرش جوانان نسبت به ازدواج است. در مطالعات مختلف در مورد گرایش و عدم گرایش به ازدواج به متغیرهای فرهنگی (گرایش دینی و میزان استفاده از رسانه، برابری جنسیتی، سبک فرزندپروری، داشتن خواهر و برادر بزرگ‌تر) و متغیرهای اجتماعی (میزان تحصیلات، هویت طبقاتی، جنسیت افراد، اعتماد به نفس، لذت از مجردی، بالا بودن انتظارات، سخت‌گیری والدین و متغیرهای اقتصادی وضعیت شغلی، وضعیت مسکن، میزان درآمد، شغل والدین و بالا بودن میزان مهریه) اشاره شده است (ضرابی و مصطفوی، ۲۰۱۲)^۲ و (صدرالاشرفی، ۲۰۱۳).^۳ از طرف دیگر امروزه رسالت دانشگاه‌ها در تولید دانش، فرهنگ‌سازی، تحت تأثیر قراردادن فرهنگ عمومی و ارائه خدمات امری بدیهی و مسلم به شمار می‌رود و ابزار این کار اطلاعات و الگوهای رفتاری هستند که شامل استادان، مدیران، کارکنان و مخاطبین می‌باشند. دانشگاه‌ها از طریق ایجاد کارایی داخلی (دادن دانش، بینش و توانش کافی) و کارایی بیرونی (بازار کار و کیفیت زندگی) و توسعه اطلاعات، توسعه مهارت‌ها، توسعه شخصیت و توسعه خلاقیت و تفکر نه تنها بر بالندگی فرد، بلکه روش‌های زندگی مردم یک جامعه تأثیر می‌گذارند (فضل‌اللهی قمشی و ملکی توانا، ۱۳۹۲، ص ۱۵۲). آنان به‌عنوان یک سیستم نرم و فرمان‌ناپذیر اجتماعی درصددند فرهنگ و شیوه زندگی را به دانشجویان یاد داده و فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار دهند توجه به عوامل افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان نیز یکی از پدیده‌های فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی است که دانشگاه‌ها برای داشتن محیطی کاملاً علمی و پاک عاری از عوامل مداخله‌گر برای یادگیری شیوه تفکر یا یادگیری شیوه یادگیری و حل مسئله و خلاقیت در تولید علم به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه کشورها در عرصه رقابت علمی عصر حاضر و تأثیرگذاری بر فرهنگ عمومی به‌عنوان رسالت خود با آن درگیر هستند نتایج مطالعه حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج دانشجویان در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر نشان داد: پدیده بیکاری جوانان (دانشجویان) مهم‌ترین و مؤثرترین عامل برای افزایش سن ازدواج دانشجویان شناخته شد، که با یافته‌های حبیب پورگتایی و غفاری (۱۳۹۰)، ضرابی و مصطفوی (۱۳۹۰)، کاظمی پور (۱۳۸۸)، فرودستان و همکاران (۱۳۸۷)، مجدالدین (۱۳۸۶)، نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۵)، کاظمی پور (۱۳۸۳) و

1. Ayatollahi

2. Zarabi V, Mostafavi F

3. Sadr Al Ashrafi M

محمودیان (۱۳۸۳) تا حدودی در زمینه عوامل اقتصادی و تحصیلات بالا تناسب دارد. همچنین نتایج مشخص کردند نداشتن درآمد کافی برای ازدواج در بین جوانان و خوف از افزایش بی‌رویه هزینه‌های زندگی به ترتیب در جایگاه دوم و سوم قرار گرفتند. تأکید بر داشتن امکانات مسکن و خودرو پیش از ازدواج، تأکید بر استقلال مالی و میزان درآمد طرفین، به ترتیب در جایگاه دوم تا پنجم قرار گرفتند که تحلیل واقع‌بینانه نشانگر این است که هر پنج مؤلفه تأثیرگذار سن ازدواج دانشجویان منشأ اقتصادی دارند. گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران نیز در افزایش سن ازدواج دانشجویان تأثیرگذار بوده است که در جایگاه ششم قرار گرفت این نتیجه با یافته‌های میرسندهی و محمدی قلعه سفیدی (۱۳۹۰) و فراهانی خلیج آبادی و همکاران (۱۳۹۰) مبنی بر تأثیر عوامل فرهنگی از جمله تأثیر ارتباط پیش از ازدواج بین دختران و پسران تا حدودی تناسب دارد. کاهش اعتماد به طرف مقابل به جهت افزایش جرائم و انحرافات، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی بین جوانان، داشتن مدرک دانشگاهی و انتظار شغل در حدشان، مسئولیت‌پذیر نبودن جوانان در امر ازدواج و اداره خانواده در رتبه‌های شش تا ده قرار گرفتند که بیشتر ریشه در مسائل اجتماعی و فرهنگی دارند. تشریفات زیاد در برگزاری مراسم عقد و عروسی، اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث ثروت، نگرش منفی افراد متأهل نسبت به ازدواج و تأثیر آن بر جوانان، کاهش اعتماد به جنس مخالف در بین جوانان، ترس از تأمین لوازم مناسب زندگی رقابتی (چشم و هم‌چشمی) موجود جامعه، ارضای نیاز جنسی جوانان خارج از محدوده شرعی، وسواس بیش از حد در انتخاب همسر، وسواس در پایبندی و تقید دینی طرفین، ترس از شکست در زندگی زناشویی، داشتن مدارک تحصیلی عالی و عدم وجود هم‌سطحی (کفو) در انتخاب همسر، دشواری توافق خانواده‌ها بر اثر پیچیده شدن روابط اجتماعی، رویکرد جامعه در افزایش سطح تحصیلات تکمیلی بین جوانان، تعارض در تصمیم‌گیری برای ازدواج و تحصیل در بین جوانان، اختلاف طبقاتی در بین اقشار جامعه از حیث تحصیلات، پدیده اعتیاد در بین جوانان، فقدان قوانین و نهادهای حمایتی برای پشتیبانی ازدواج جوانان، تلقی شکل معامله در تعیین مهریه برای ازدواج و مهریه سنگین، تشدید غرور جنسیتی حاصل از روند افزایش برابری جنسی در جامعه، تأکید افراطی بر داشتن اصالت خانوادگی طرفین، عدم اعتماد خانواده به جوان در اداره زندگی از دیگر عوامل تأثیرگذار بد افزایش سن ازدواج دانشجویی بودند که در رتبه‌های دهم تا سیزدهم قرار گرفتند. نتایج می‌تواند گویای این موضوع باشد که به‌رغم افزایش تأثیرات عوامل اقتصادی بر ازدواج دانشجویان هنوز رنگ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی متأثر از فلسفه مسلط در بین دانشجویان پررنگ‌تر است.

پیشنهادات

۱. با توجه به نتایج تحقیق مبنی بر تأثیر عوامل اقتصادی بر افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان، به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی برای افزایش ارتباط بین صنعت و دانشگاه‌ها و هدایت دانشجویان به رشته‌های مورد نیاز و دارای زمینه شغلی و افزایش تسهیلات حمایتی دولتی برای ترغیب دانشجویان به ازدواج ضروری است؛

۲. برای ایجاد محیط سالم، شاد و دور از آلودگی‌های فکری و فرهنگی و به‌ویژه رعایت سنت و آداب زندگی اسلامی در دانشگاه‌ها پیشنهاد می‌شود مطالعات گسترده و با مؤلفه‌های دقیق برای برنامه‌ریزی و تهیه مقدمات ازدواج آسان دانشجویان که از دغدغه‌های اصلی مسئولان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها است، صورت پذیرد؛

۳. با تحکیم ارزش‌های اسلامی و فرهنگی جامعه از طریق برنامه‌ریزی بر مبنای دانش‌های بنیادین، ارزش‌ها و نمادها سلامت روانی و جسمانی، فکری و فرهنگی دانشجویان را حفظ کرده بر تولید علم و دانش بیشتر بسترسازی کنیم.

منابع

* قرآن کریم

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، «شکاف بین نسلی در ایران: نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران»، ش ۴، ص ۵۵-۷۰.
۲. آقاسی، محمد و فاطمه فلاح مین‌باشی (۱۳۹۴)، «نگرش جوانان ایرانی به ازدواج، انتخاب همسر و تشکیل خانواده»، دو فصلنامه پژوهش‌نامه زنان، سال ششم، ش ۲، ص ۱-۲۱.
۳. احمدی منفرد، اعظم و عباس چراغ چشم (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین ازدواج دانشجویی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان (پایان نامه)، قم: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. اسکندری چراتی، آذر (۱۳۷۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج در ایران، نمونه مورد مطالعه استان گلستان»، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی، سال چهارم، ش ۳، ص ۱-۲۵.
۵. بانکی پور فرد، حسین؛ مهدی کلانتری و زهرا مسعودی‌نیا (۱۳۹۰)، «درآمدی بر آمار ازدواج جوانان در ایران»، فصلنامه معرفت در دانشگاه اسلامی ۴۸، ش ۳، سال ۱۵، ص ۲۶-۴۷.
۶. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۱)، جوانان و ازدواج، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جعفری مؤدبی، افشین (۱۳۸۲)، «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، ش ۵، دوره ۱.
۸. حبیب پورگتایی، کرم و غلام‌رضا غفاری (۱۳۹۰)، «علل افزایش سن ازدواج دختران»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، ش ۱ (پیاپی ۳۲)، ص ۷-۳۴.
۹. حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۳)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: ویرایش.
۱۰. حسینی، حاتم و مریم گراوند (۱۳۹۲)، «سنجش عوامل مؤثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوههدشت»، نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۱۰۲-۱۱۸.
۱۱. دژکام، محمدرضا (۱۳۸۳)، روان‌شناسی ازدواج، تهران: انتشارات: منشأ دانش.
۱۲. رجیبی، عباس (۱۳۸۶)، «سن ازدواج و عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن»، معرفت، ش ۱۱۲، ص ۱۴۳-۱۵۴.
۱۳. روشه، گی (۱۳۶۶)، تغییرات اجتماعی (ترجمه منصور وثوقی)، تهران: نشر نی.
۱۴. ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
۱۵. سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، «جامعه‌شناسی تاریخی خانواده»، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.

۱۶. سلطان‌پور، عقیده (۱۳۷۹)، روزنامه همشهری، سال نهم، ش ۳۲۲۳، سه‌شنبه ۴ بهمن، ص ۱۲.
۱۷. صادقیان، غلام‌رضا (۱۳۸۰)، «سن ازدواج چرا افزایش یافته است؟»، روزنامه کیهان، ش ۱۷۱۱۳۰.
۱۸. ضرابی، وحید و سیدفرخ مصطفوی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل مؤثر بر سن ازدواج زنان در ایران یک رویکرد اقتصاد»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار)، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۳-۶۴.
۱۹. عبدالهی، رضا (۱۳۶۶)، «نظام اسلامی و مسائل و مشکلات نسل نو»، روزنامه اطلاعات، ص ۱۰.
۲۰. فراهانی خلج آبادی، فریده؛ شهلا کاظمی پور و علی رحیمی (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال نهم، ش ۳۳.
۲۱. فرودستان، مهرنو؛ حمیدرضا عریضی و ابوالقاسم نوری (۱۳۸۷)، «معیار انتخاب سطح تحصیلات همسر و مقایسه آن در دانشجویان دختر و پسر»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، ش ۳۳، ص ۲۱۷-۲۲۷.
۲۲. فضل الهی قمشی، سیف‌اله (۱۳۹۲)، «تربیت فرهنگی در اسلام؛ روش‌ها و رویکردها»، مجموعه مقالات همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده، ۱۴ و ۱۵ اسفند، ص ۱.
۲۳. فضل الهی قمشی؛ سیف‌اله و منصوره ملکی توانا (۱۳۹۲)، «فرهنگ همسرگزینی در بین دانشجویان؛ معیارها و اولویت‌ها»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال سوم، ش ۱ (۶)، ص ۱۳۱-۱۵۴.
۲۴. فولادی و نندا، محمد (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناسی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال پنجم، ش ۴، پیاپی ۲۰، ص ۷۷-۱۰۴.
۲۵. کاوه فیروز، زینب؛ شهلا کاظمی پور و مرتضی رنجبر (۱۳۹۳)، «تعیین‌کننده‌های جمعیتی-اجتماعی مؤثر بر افزایش سن ازدواج دختران دانشگاه‌های تهران»، (پایان‌نامه)، دانشگاه خوارزمی.
۲۶. کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۸)، «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن»، دانشگاه اسلامی، ش ۴۲، ص ۷۵-۹۵.
۲۷. _____ (۱۳۸۳)، «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۲۴.

۲۸. کاظمی، زهرا و صغری نیازی (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال یازدهم، ش ۲ (پیاپی ۳۰)، ص ۳-۲۳.
۲۹. کریملو، مسعود؛ محمد، کاظم، اعظم، کمال، علی نوربالا، محمد (۱۳۷۸)، «روند تغییرات سن اولین ازدواج زنان در استان تهران و مقایسه آن با کل کشور براساس اطلاعات طرح ملی سلامت و بیماری»، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشت، سال پنجم، ش ۱ (پیاپی ۱۷).
۳۰. کنعانی، محمدمین (۱۳۸۵)، «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه مورد مطالعه ترکمن‌ها»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، ش ۱، ص ۱۰۴-۱۲۶.
۳۱. گیدنز، آتونی (۱۳۸۶)، چشم‌اندازهای جهانی، ترجمه: محمدرضا جلائی‌پور، تهران: طرح نو.
۳۲. مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶)، «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۳، ص ۳۷۵-۳۸۶.
۳۳. محمودیان، حسین (۱۳۸۳)، «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۴، ص ۲۷-۵۳.
۳۴. مرادی، گلمراد و محسن صفاریان (۱۳۹۱)، «عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال سوم، ش ۷، ص ۸۱-۱۰۸.
۳۵. مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۷)، «بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج»، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۶. مهربانی، وحید (۱۳۹۳)، «تحلیل اقتصادی تصمیم‌گیری برای سن ازدواج»، سال ۱۷، ش ۶۵، ص ۶۹-۱۱۸.
۳۷. میرسندسی، محمد و مصطفی محمدی قلعه سفیدی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصلنامه فرهنگی-دفاعی زنان و خانواده، سال ششم، ش ۱۷، ص ۲۰۴-۱۷۹.
۳۸. نقیبی، سیدابوالحسن و مهرانه حمیدی (۱۳۹۴)، «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائم شهر»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۵، ش ۱۳۱، ص ۱۵۹-۱۶۴.
۳۹. نیک‌منش، زهرا و یحیی کاظمی (۱۳۸۵)، «علل و راه حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان»، مجله مطالعات روان‌شناسی تربیتی، ش ۵، ص ۷۷-۸۹.
۴۰. نیازی، محسن؛ محسن شاطریان و الهام شنائی مقدم (۱۳۹۴)، «بررسی نقش عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر در نگرش منفی به ازدواج»، مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، سال ششم، ش ۲، ص ۲۷-۵۸.

41. Ayatollahi Z., *The population and family planning. Qom: Education Office Publication*; 2013.
42. Becker Theory of Marriage: Part II”, *The Journal of Political Econo-” my*, Vol. 82, No. 2, (1974).
43. Caldwell, J. (1981), “The Mechanisms of Demographic change in Historical Perspective”, *Population Studies*, Vol. 29: pp. 345-366.
44. Danziger, Leif & Shoshana Neuman. “On the Age at Marriage: Theory and Evidence from Jews and Muslims in Israel”, *Journal of Economic Behavior and Organization*, Vol. 40, (1999).
45. Determinants in Bangladesh”, *Asia-Pacific Population Journal*, Vol. 13, No (1993).
46. Farahani Khalajabadi F, Kazemipour SH, Rahimi A. *The Influence on Premarital Heterosexual Relationships on Marital Timing and Marital Desire among College Students in Tehran*. Journal of Family Research 2013; 9 (1): 7-28.
47. Hajnal, J. (1965), “European Marriage Patterns in Perspective, in D. V” *Glass and D.Eversley* (eds), *Population in History*, Arnold, London: pp. 42-101.
48. Hosseini H, Gravnd M. Measuring factors affecting of behavior and attitudes women to marriage age in the city kohdasht. *Women develop and politicJournal* 2014; 11(1): 101-118 (Persian).
49. Karlsson, G. (1963), “Adaptability and communication in Marriage”, Totowa (N.J) Bedminster press.
50. Kazemipour SH. Identification of youth attitudes toward marriage and Investigate affect the marriage student. *Culture Islamic University* 2009; 13(2): 113-117.
51. Keeley, Michael C. “The Economics of Family Formation”, *Economic Inquiry*, Vol. 15, Issue. 2, (1977).
52. Loughran, David S. and Zissimopoulos, Julie M. (2004), “Are There Gains to Delaying Marriage?” *The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages*, RAND Labor and Population working paper series, November 8.
53. Murayama S. Regional standardization in the age at marriage: A comparative study of preIndustrial Germany and Japan. *His Fam* 2000; 6 (2): 303-324.
54. Murayama, S. (2001). Regional standardization in the age at marriage: A comparative study of pre Industrial Germany and Japan, *The History of the Family*, Vol. 6, No. 2, pp. 303-324.

55. Nurul Islam, M. and Ashraf U. Ahmed “Age at First Marriage and its.
56. Sadr Al Ashrafi M, Shamkhani A, Yousefi Afrasfteh M. Investigate factors affecting in the easy marriage from the students women view Payame Noor University Razan. Journal of cultural engineering 2013; 69, 70:86-101 (Persian).
57. Zarabi V, Mostafavi F. Measuring factors affecting marriage in women of the Iranian View economic. Journal An economic study 2012; 4: 33-64 (Persian).
58. Rooting and ranking causes of increased age at marriage among the students